

حوادث

بازداشت «احمد شاه» به اتهام سرقت تلفن همراه !

بخش اجتماعی– سارقان به عنف گوشی های تلفن همراه در حالی در کمتر از یک ساعت دستگیر شدند که در پی دریافت گزارش مردمی مبنی بر سرقت یک دستگاه تلفن همراه گران قیمت از یک شهروند کرمانی، بلافاصله ماموران با دریافت مشخصات سارقان، ما ماموران انتظامی کلانتری ۱۱ شهر کرمان با افزایش گشت های نامحسوس دو نفر را که با یک دستگاه موتورسیکلت در حال پرسه زنی و انتخاب سوزه برای سرقتی دیگر بودند زیر نظر گرفتند.
بنابراین گزارش ماموران این متهمان را به محض سرقت تلفن همراه یک شهروند در کمتر از یک ساعت درعملیاتی ضربتی و غافلگیرانه دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. سرهنگ فداء فرمانده انتظامی شهرستان کرمان گفت: سارقان که از اتباع بیگانه و سابقه‌دار هستند در همان تحقیقات اولیه به شش فقره سرقت تلفن های همراه گران قیمت دیگر در شهر کرمان اعتراف کردند.
براساس گزارش خبرنگار ماه، یکی از سارقان معناد به شیشه است و دیگری به حبشیش اعتیاد دارد که به گفته خودش معروف به «احمدشاه» و ۲۰ ساله است و بدنش پراز خالکوبی و چاقوردگی است.

وی در بخشی از اعترافاتش اظهار کرد : بنا و گج کار بودم که دچار کمردرد شدم و دیگر نمی توانستم کار کنم که به سرقت روی آوردم . وی درادامه گفت : بعد از مدتی به کشور افغانستان رفتم دوباره به کرمان برگشتم و یک دستگاه موتورسیکلت خریدم و با فردی که تبعه افغانستان بود و از قبل او را می‌شناختم سرقت و گوشی قاچی را شروع کردم؛ صبح‌ها و عصرها سوزه ها را انتخاب و در لحظه‌ای گوشی‌های همراه گران قیمت را سرقت می کردیم که خیلی زود به چنگ پلیس افتادیم.

.....●●●●●

مهلت دو هوو به قاتل پسر جوان

بخش اجتماعی– نیمه شب بیست‌وسوم شهرویر سال ۹۲ صدای تیراندازی از خانهای در خیابان دماوند تهران به گوش رسید و بلافاصله به پلیس گزارش شد.
به‌دنبال اعلام این خبر مأموران راهی محل شدند.
به گزارش خبرنگارانین طبق اظهارات همسایه‌ها، صاحب محله پسر۱۳ ساله به‌نام مسعود بود که به تنهایی زندگی می‌کرد اما همیشه در خانه‌اش میهمانی می‌گرفت.
شب حادثه هم در خانه‌اش میهمانی بر پا کرده بود که ناگهان از داخل خانه او صدای تیراندازی به گوش رسید و میهمانان خانه را ترک کردند.

جنایت شبانه

مأموران وارد خانه مسعود شده و با جسد او در حالی که تیری به سینه‌اش خورده بود مواجه شدند.
تحقیقات از میهمان‌ها حکایت از این داشت که عامل این تیراندازی پسر۱۰هه به‌نام بهزاد است.
متهم ۳۴ ساله اما پس از جنایت متواری شده بود و در نهایت کارآگاهان جنایی موفق شدند متهم فراری را که با شناسنامه جعلی در هتلی در شهرستان سرعین اقامت داشت دستگیر کنند.بهزاد پس از دستگیری به تهران منتقل شد و در تحقیقات به جنایتی که مرتکب شده بود اعتراف کرد.
او در تحقیقات گفت: مدتی بود که با یکی از دوستانم به‌نام مهدی اختلاف داشتم. درگیری ما به قدری بود که یکبار مهدی مرا با ماشین زیر گرفت و تا یک قدمی مرگ رفتم. اما به خاطر وساطت دوستان، او مهدی شکایت نکردم، ولی قرار شد هزینه‌های بیمارستان را مهدی پرداخت کند زمانی که از او خواستم هزینه ۱۴ میلیون تومانی بیمارستان را بدهد مدام بهانه آورد. تا اینکه کلت کمری تهیه کردم و وقتی متوجه شدم مهدی آن شب در خانه مسعود میهمان است به سراغش رفتم. تیر اول را هوایی شلیک کردم، نمی‌خواستم کسی را به قتل برسانم، اما چون تا به حال اسلحه به‌دست نگرفته بودم تیر دیگری شلیک کردم که به اشتباه به سینه مسعود برخورد کرد.

در دادگاه

پس‌از بازسازی صحنه جرم متهم به درخواست اولیای دم برای قصاص، پرونده برای صدور حکم به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد.
با اعتراف متهم به جنایت او به قصاص محکوم شد.
با تأیید این حکم در دیوانعالی کشور، وی در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.
اما جلسه صلح و سازشی به سرپرستی دکتر محمد شهریار، به پسر مسعود دادگرو امور جنایی تهران تشکیل شد.

از آنجایی که پدر مسعود دوبار ازدواج کرده بود وی قبل از مرگش به همسر دومش وکالت داده بود تا در رابطه با مجازات یا بخشش قاتل پسرش تصمیم بگیرد.
بدین ترتیب در این پرونده مادر اصلی مسعود و نامادری او به‌عنوان اولیای دم خواستار قصاص مرد جوان شدند.
اما با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی پایتخت، متهم موفق شد از مادر مسعود و نامادری اش دو ماه مهلت بگیرد تا شاید بتواند رضایت آنها را جلب کند و بدین ترتیب از چوبه دار فاصله گرفت.

.....●●●●●

راهزنان جاده به دام افتادند

بخش اجتماعی– عاملان سرقت محموله طلا در یک راهزنی جاده ای با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی و کاشمر در چنگ قانون گرفتار شدند.

به گزارش خراسان، سیزدهم خرداد در پی وقوع سرقت محموله طلا از داخل یک دستگاه خودروی سمند که در سراهی شادمری به سمت مشهد در حرکت بود گروهی از ماموران انتظامی اعزام محل حادثه شدند و به تحقیق در این باره پرداختند. بررسی های مقدماتی نشان می داد که زانثیا سواران با همکاری سرنشینان پرابند، خودروی سمند را به پنهان تخلف متوقف کرده و با یورش مسلحانه با شمشیر و چاقو و شکستن شیشه های سمند، محموله ۳ کیلوگرمی طلا را به سرقت بردند. با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا و تأکید سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی) برای پیگیری سریع و قاطع ماجرا، بلافاصله گروه ورزیده ای از کارآگاهان به دستور سرهنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) درحالی اعزام کاشمر شدند که سرهنگ سلطانیان سرپرستی گروه عملیاتی را به عهده داشت. این گزارش حاکی است، گروه مشترک کارآگاهان اداره عملیات ویژه و اطلاعات جنایی، به یاری نیروهای عملیاتی کاشمر رفتند و در چند شاخه اطلاعاتی به بررسی تخصصی ماجرا پرداختند. آنان در عملیات‌های ضربتی و هماهنگ موفق شدند هفت نفر از عوامل این دستبرد را با صدور دستورات ویژه قضایی دستگیرکنند و به پنجه عدالت بسپارند. تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی براساس اعترافات متهمان نشان داد، سرخ این ماجرا از متصدیان یک پلافروشی بزرگ در کاشمر آغاز شده است و آنان با طرح یک نقشه وحشتناک به طلاهای دوست و همکار ۱۲ ساله خود دستبرد زده‌اند.
با کشف طلاهای سرقتی از یک تنور روستایی تحقیقات در این باره ادامه یافت.

{اجتماعی}

گفتگوی تکان دهنده با مادر«فاطمه قضاتی»

فاطمه را جلوی چشمانم از طبقه ۱۱ برج پرند به پایین پرت کرد

شدن فرزندم آنقدر سریع رخ داد که مابقی افرادی که در خانه حضور داشتند به جز دختر دوستم نتوانستند شاهد ماجرا باشند.

گلایه های مادر داغ‌دیده فاطمه

«مادر فاطمه» در ادامه گفت: فاطمه چرا باید خودکشی می کرد من با چشمان خودم دیدم مجتبی دخترم را به قتل رساند. فقط قصاص می خواهم و دیگر هیچ؛ فردای شب حادثه قرار بود برای دخترم خواستگار بیاید. او هیچ نارضایتی نداشت و با من خیلی راحت بود، اگر چند نفر از مردهای ساختمان مان به کمک می آمدند الان فاطمه در کنارم بود. در خبرها به نقل از پلیس آمده که من و دخترم شاهد ماجرا بودیم که این مطلب درست نیست. دختر دوستم شاهد ماجرا است و بقیه افرادی که در خانه حضور داشتند تا به اتاق فاطمه برسند کار از کار گذشته بود. چرا قاتل با وثیقه آزاد شده است. آنها هنوز اطلاعات کافی ندارند و با آزاد کردن قاتل دخترم، جان ۲ فرزند دیگرم هم در خطر است.

پس از سقوط فاطمه در شهرک آسمان چه اتفاقاتی رخ داد؟

مردم از صدای جیغ و فریادهای دلخراش یک مادر و خواهر بیرون آمدند و جسد دختر آشنایی را که غرق در خون است را مشاهده کردند.

مادر داغ‌دیده می گوید: فاطمه هنگام سقوط از طبقه یازدهم به پنجره طبقات پنجم و ششم برخورد می کند که این حادثه باعث شکسته شدن شیشه های آن ۲ خانه شده است.

قتل یا خودکشی!

دایي فاطمه هم می گویند: من در تعجب هستم این شخص چرا آزاد شده است. او ادامه داد: می گویم قتل است شاهد داریم می گویند خودکشی است! درست است که مجتبی دقایق نخست حادثه قرار نکرده اما پس از نیم ساعت که اورژانس مرگ فاطمه را تایید کرد مجتبی در حال فرار با خودرویش توسط پلیس دستگیر شد.

دایي داغ‌دیده فاطمه با اشک های خشک شده از «آیت الله رئیسی رئیس قوه قضائیه کشور» درخواست کرد، دستور ویژه ای در خصوص پیگیری این جنایت صادر شود.

پدر فاطمه چه گفت؟!

پدر فاطمه که در تبریز زندگی می کند در این خصوص گفت: فاطمه در دوران قرتبطینه کروانی به خانه ام آمد و ۲ هفته در کنار من زندگی کرد برخلاف شایعات در این ۲ هفته اصلا ندیدم فاطمه به جز مادرش با تلفنش صحبت کند. بین فاطمه و من هیچ ارتباطی نبود، مجتبی هیچ ارتباط همسر زن سابقم است و برخلاف مطالبی که در فضای مجازی منتشر شده او هیچ ارتباطی با من ندارد. بنابه این گزارش؛ بررسی های پرونده از سوی مقام قضایی و پلیس ادامه دارد.

خبر، اینطور نیست. این اتفاق در ۲ مرحله رخ داد. مجتبی پس از مدت ها با من تماس گرفت و گفت که برادرش که در زندان است را دیده و می خواهد کمک مان کند. ادرس خانه ام را به او دادم و مجتبی چند مرتبه به خانه مان آمد. روز حادثه مجتبی با دوست دخترش به اینجا آمد، چند دقیقه ای گذشت که فاطمه آمد و با همه احوالپرسی کرد، «فاطمه» وقتی به نامزد مجتبی رسید به او گفت: سلام خاله و آن دختر هم جوابش را داد اما در این لحظه مجتبی فاطمه را میمون صدا کرد و دختر من هم همان توهین را به خود او برگرداند. دعوی لفظی آنها شروع شد. من فاطمه را خیلی زود فرستادم خانه همسایه مان و به دست و پای مجتبی افتادم او می گفت من از یک بچه حرف نمی شنوم و باید او را ادب کنم، از شانس بد من همسایه مان خانه نبود و فاطمه به خانه بازگشت. هنگامی که مجتبی او را دید نتوانست خودم را کنترل کند و تا جایی که انرژی در بدنش بود جگر گوشه ام را زیر مشت ولگد گرفت. برگه پزشکی قانونی هم موجود است که ضرب و شتم فاطمه توسط مجتبی را تایید می کند. او سر فاطمه را به دیوار کوبید و دست دخترتم را هم شکست. فاطمه و من از حال رفته بودیم که با بدبختی مجتبی راضی شد خانه مان را ترک کند.

«فاطمه» توسط مجتبی از پنجره بیرون پرت آب شد

مادر فاطمه در ادامه صحبت هایش گفت: فاطمه پیامکی با محتوای نفزین و توهین برای مجتبی ارسال کرد که همین پیامک لعنتی باعث شد دخترم پرپر شود. فیلمش موجود است که مجتبی با حالت عصبانیت به خانه مان برگشت. او آپارتمان را روی سرش گذاشت که فاطمه کجاست باید ببیندش، من و دوستم که خانه مان حضور داشت دوباره به دست و پای مجتبی افتادیم و التماس کردیم. اما این قاتل لگدش را نثار ما کرد و ناسزای خیلی مبتذلی روانه فاطمه کرد. فاطمه وقتی این ناسزا را شنید دوام نیاورد و از اتاقش خارج شد و به مجتبی گفت که هر چه گنتی لیاقت خودت است. مجتبی وقتی فاطمه را دید به سمتش دوید. دختر من هم در را بست و در اتاقش پناه گرفت. در اتاق فاطمه چوبی است و خیلی زود می شکند. مجتبی قصد شکستن در را داشت که من گفتم کلید دست من است، مجبورم کرد در را باز کنم، باور کنید نمی گذاشت به پلیس زنگ بزنیم و اصلا به فکرم نرسید که او می خواهد فاطمه را به قتل برساند تا در را باز کردم هیچ فرصتی به فاطمه نداد، او دخترم را با دستان پر قدرتش بلند و به پایین پرتاب کرد. آن بی رحم فرصت این را نداد که فاطمه کنار پنجره را بگیرد تا ما بتوانیم کمکش کنیم. من این صحنه را که دیدم شوکه شده بودم و اصلا در خودم نبودم.

◆ به جز خودتان چه کسی شاهد «قتل» فاطمه است؟

دختر دوستم که در خانه مان حضور داشت این اتفاق را دید که متأسفانه پرپر

«مرگ سیاه» با طناب هوس!

تیغ موکت بری دو ضربه به گردنش زدم که پس از آن هم توسط یکی از شهروندان دستگیر شدم. گزارش خراسان حاکی است، با صدور دستورات ویژه قضایی، زن جوان نیز توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی دستگیر شد



و مورد بازجویی قرار گرفت. این زن ۲۸ ساله ضمن تایید اعترافات متهم گفت: حدود یک سال قبل شماره تلفنی را که روی کاغذی نوشته شده بود پیدا کردم و با آن شماره تماس گرفتم وقتی مردی پاسخ تلفن را داد به طور اتفاقی نام مردی را بر زبان راندم و بدین ترتیب رابطه تلفنی ما با یکدیگر آغاز شد و او چند بار برای ملاقات با من به مشهد آمد اما از حدود یک ماه قبل دیگر نمی خواستم با آن مرد رابطه ای داشته باشم چرا که شماره تلفن پنهانی ایرانسل من نیز سوخته بود به همین دلیل با گوشی تلفن مرد نقاشی که در حال نقاشی ساختمان منزلمان بود با آن مرد تماس گرفتم و گفتم دست از سر من بردار ولی من پولی از او دریافت نکرده ام. وی در پاسخ به سوال قاضی که پرسید چرا با مرد ۵۱ ساله رابطه داشتی؟ گفت: همسرم به من محبت نمی کرد و گاهی نیز مرا کتک می زد! این گزارش حاکی است، این گونه بود که قاضی حسینی دستور دستگیری نقاش ساختمان را نیز صادر کرد و کارآگاهان با هدایت و فرماندهی مستقیم سرهنگ محمدرضا

غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) مرد نقاش را نیز به پنجه عدالت سپردند. این مرد هم که پیامک های زیادی از گوشی تلفنش برای مرد ۵۱ ساله ارسال شده بود در بازجویی ها گفت:وقتی به رابطه زن جوان و آن مرد پی بردم از او خواستم مبلغی را به حسابم واریز کند اما او وقتی به موضوع مشکوک شد که چرا شماره حساب مربوط به یک مرد را در اختیار وی گذاشته ام دوباره پیامکی از طرف آن زن ارسال و عنوان کردم که شماره حساب مربوط به شوهر دوستم است! و این گونه ۳۰۰ هزار تومان به حسابم واریز شد. نقاش ۲۷ ساله ادامه داد: من پیامک های عاشقانه از طرف زن جوان برای مرد ۵۱ ساله می فرستادم و چنین وانمود می کردم که قصد گرفتن طلاق از همسرم را دارم.او او نیز پاسخ داد: من می ایم و کار را تمام می کنم! این گزارش حاکی است، پس از آن که متهم ۵۱ساله مهرماه سال ۹۵، صحنه جنایت را در حضور قاضی حسینی بازسازی کرد، ادامه تحقیقات در این پرونده جنایی را قاضی کاظم میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به عهده گرفت چرا که قاضی سیدجوادحسینی به سمت معاون دادستان مرکز خراسان رضوی منصوب شده بود. بنابراین گزارش، با صدور کیفرخواست در دادسرای عمومی و انقلاب، این پرونده جنایی در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی مورد رسیدگی دقیق قرار گرفت و متهم پای میز محاکمه ایستاد. قضات باتجربه شعبه پنجم

دادگاه کیفری یک پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه، ارتکاب جرم توسط مرد ۵۱ ساله را محرز دانستند و او را در حالی با استناد به مواد قانونی به قصاص نفس محکوم کردند که زن ۲۸ ساله نیز به تحمل زندان طولیل المدت محکوم شد. گزارش خراسان حاکی است، با تایید حکم دادگاه در شعبه نهم دیوان عالی کشور، این پرونده جنایی به اجرای احکام دادسرای عمومی وانقلاب مشهد ارجاع شد و بدین ترتیب با فراهم شدن مقدمات اجرای حکم قصاص نفس و به دنبال صدور دستوری از سوی قاضی محمدرضا دشتیان (معاون دادستانی مرکز خراسان رضوی) قاتل هوسباز سبیده در سن ششبه گذشته در زندان مرکزی مشهد پای چوبه دار رفت و پس از طی تشریفات قانونی با نظارت قاضی زرگر (قاضی باتجربه اجرای احکام دادسرای مشهد) به دار مجازات آویخته شد و این گونه «مرگ سیاه» به «طناب هوس» گره خورد تا فرجام این پرونده هوسبازی، درس عبرتی برای آنتی باشد که هنوز در منجلاب مرداب هوس دست و پا می زنند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده

شرکت صندوق حمایت از توسعه صنعت چای کشور (سهامی خاص)

ثبت شده به شماره: ۲۰۶۷ و شناسه ملی ۱۹۴۳۶۰۱۴۰۰۵

به اطلاع کلیه صاحبان سهام شرکت صندوق حمایت از توسعه صنعت چای کشور (سهامی خاص) می رساند که جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت مذکور در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۱ در محل سازمان چای کشور واقع در لاهیجان خیابان ملت برگزار می گردد.

بدینوسیله از نمایندگان قانونی صاحبان سهام دعوت بعمل می آید با درددست داشتن معرفینامه از شکل/اتحادیه/

تعاونی خود در روز و ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند.

دستورات جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده :

۱) ارائه گزارش هیئت مدیره، بازرسین قانونی و حسابرس شرکت درخصوص عملکرد شرکت منتهی به ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

۲) بررسی و تصویب صورتهای مالی (ترازنامه وحساب سود و زیان) شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

۳) بررسی و تصمیم گیری درخصوص نحوه تقسیم سود سالیانه شرکت

۴) بررسی و تصمیم گیری درخصوص پرداخت پاداش اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و کارکنان شرکت

۵) بررسی و تصمیم گیری درخصوص حق الزحمه بازرس

۶) تعیین حق حضور جلسه اعضاء هیات مدیره

۷) انتخاب بازرسین قانونی شرکت

۸) انتخاب حسابرس

۹) تعیین روزنامه کثیر الانتشارجهت درج آگهی های شرکت

ضمناً گزارش صورتهای مالی شرکت و گزارش هیئت مدیره و بازرسین جهت ارائه به سهامداران محترم دردفتر صندوق آماده می باشد.

هیئت مدیره صندوق حمایت از توسعه صنعت چای کشور